

فن اجرا (تکنیک) در اصول اجرای موسیقی

شریف لطفی

اجرای جامع موسیقی در گرو دستیابی اجراکننده از راه تمرینات مرتبتی و مرتبطی به اصول چهارگانه‌ای است که بنا بر ترتیب آنها در روند آموزش اصول اجرای موسیقی عبارتند از:

۱- فن اجرا (تکنیک)

۲- صدای مطلوب (سونوریت) گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳- اجرای موسیقایی (موزیکالیت)

۴- سبک آثار (استیل) پرتال جامع علوم انسانی

بنا بر ترتیب اشاره شده، فن اجرا (تکنیک) که موضوع این نوشتار است، نخستین مورد از موارد چهارگانه اصول اجرای موسیقی محسوب می‌شود. بدین ترتیب پرداختن به آن در روند آموزش، از درجه اهمیت نخست برخوردار است.

اعمال مکانیکی فیزیک انسان که مضامین آن از ساحت خود خواسته مغز دریافت می‌شود، در اصول اجرای موسیقی، فن اجرا (تکنیک) نامیده می‌شود و موارد تشکیل دهنده آن به ترتیب عبارتند از:

الف: چگونگی فیزیک در اجرا (اکول)

ب: عناصر نوشتاری موسیقی (ریتم، اینتروال، تمپو، دینامیک، آگوجیک) موارد اشاره شده و عناصر تشکیل دهنده آن، تنها با گذر از سه مرحله از تمرینات نوشته شده در زیر می تواند به توانمندی های برتر فن اجرا (تکنیک) اجراکنندگان موسیقی به طور مؤثر کمک شایانی کند.

۱- تمرین اول (ذهن) ۲- تمرین دوم (مرحله اول فیزیک) ۳- تمرین سوم (مرحله دوم فیزیک)

پیش از آنکه هر یک از موارد و مراحل تشکیل دهنده فن اجرا (تکنیک) به ترتیب در این نوشتار بررسی شود، برای توجه بیشتر، ضروری است تمامی موارد و مراحل اشاره شده در رابطه با فن اجرا (تکنیک) به صورت نمودار، ارائه شود.

الف: چگونگی فیزیک در اجرا (اکول)	۱- تمرین اول: (ذهن)
ب: «عناصر نوشتاری موسیقی»	۲- تمرین دوم: (مرحله اول فیزیک)
	۳- تمرین سوم: (مرحله دوم فیزیک)

فن اجرا (تکنیک)

فصلنامه هنر
شماره ۷۷

۲۷۹

چنانچه در نمودار ارائه شده مشاهده می شود، فن اجرا (تکنیک) اجراکنندگان موسیقی، به دو عامل، تحت عناوین: «چگونگی فیزیک در اجرا» (اکول) و «عناصر نوشتاری موسیقی» بستگی دارد که از راه تمرینات اول، دوم و سوم می تواند به توانمندی های فن اجرا (تکنیک) فرد اجراکننده موسیقی، کمک مؤثر و شایانی کند.

اکنون دو عامل تشکیل دهنده فن اجرا (تکنیک) و در پی آن مراحل تفکیک شده تمرینات مربوطه به هر یک از آنها، به ترتیب مورد بررسی قرار می گیرد.

الف: چگونگی فیزیک در اجرا (اکول)

عملکرد بهینه فیزیک در فن اجرا (تکنیک) به مجموع راه کارهایی گفته می شود که در راستای ایجاد تسهیلات و کارآمدی مکانیکی بهینه فیزیک اجراکنندگان موسیقی، از ابتدای راه فراگیری این هنر، توسط آموزش دهندگان به آنان تجویز می شود.

اگرچه مقررهای کلی و عمومی «چگونگی فیزیک در اجرا» (اکول) برای نوازندگان یک ساز

مشخص (به عنوان مثال: ساز ویلن) به صورت پایه‌ای مشابه هم به عموم نوازندگان این ساز تجویز می‌شود، اما بسیاری از جزئیات مربوط به «چگونگی فیزیک در اجرا» (اکول) باید متناسب با امکانات «فیزیولوژیک» بدن هر نوازنده این ساز به صورت جداگانه (فردی) به هریک از آنان تجویز شود.

ب: عناصر نوشتاری موسیقی (ریتم، اینتروال، تمپو، دینامیک، آگوجیک) موارد عملی از اصول اجرای موسیقی که به صورت مکتوب (نت‌ها) در دسترس اجراکنندگان موسیقی (اعم از: خواننده، نوازنده، رهبر ارکستر و...) قرار می‌گیرد را می‌توان «عناصر نوشتاری موسیقی» نامید.

برطرف کردن هر گونه شبهه و ابهامات نسبت به شناخت دقیق این عناصر موسیقی و تمامی موارد تشکیل دهنده آن نخست در ذهن و سپس در طی تمرینات مراحل اول و دوم فیزیکی اجراکنندگان موسیقی، بدون تردید می‌تواند کمک موثر و شایانی به توانمندی‌های هر چه بیشتر فن اجرا (تکنیک) آنان بکند.

در اصول اجرای موسیقی، نیز عناصری وجود دارد که مکتوب نمی‌شوند، ولی از جانب اجراکنندگان موسیقی رعایت شده و به کار گرفته می‌شوند، مانند اصول شماره ۲، ۳ و ۴ که به ترتیب تحت عناوین: صدای مطلوب (سونوریتته)، اجرای موسیقایی (موزیکالیتته) و سبک آثار (استیل) در آغاز این نوشتار به صورت نمودار به آنها اشاره شده است.

عناصر نوشتاری موسیقی به ترتیب لزوم و اهمیت فراگیری و تمرین آنها در روند دستیابی به فن اجرا (تکنیک) برتر در اصول اجرای موسیقی عبارتند از:

۱- ریتم ۲- اینتروال ۳- تمپو ۴- دینامیک ۵- آگوجیک

اکنون هریک از موارد پنجگانه اشاره شده به ترتیب و با ارائه توضیحات (در اندازه حوصله این نوشتار) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- ریتم

موسیقی از هنرهایی است که با زمان رابطه تنگاتنگ دارد. تقسیمات متنوع مساوی یا نامساوی زمان در امتداد هر صوت «ریتم» را تشکیل می‌دهد. تلاش برای دستیابی همه‌جانبه و توانمند شدن اجراکننده به درک و اجرای دقیق اشکال متنوع «ریتم» بدون تردید وی را در راستای

هرچه قوی تر شدن فن اجرا (تکنیک) یاری می کند.

۲- اینتروال

حد فاصل زیر و بمی یا تفاوت فرکانس های دو صوت موسیقایی را نسبت به هم، «اینتروال» (فاصله) می گویند.

صوت موسیقایی - پس از ریتم - دومین عامل اصلی در خلق آثار موسیقی است. بدون آن حتی عالی ترین ترکیب ها و ساخته های «ریتم» ناکامل می نماید. دستیابی گسترده و توانایی هر چه بیشتر اجراکننده به اجرای فواصل متنوع اصوات موسیقایی (اینتروال) بدون تردید وی را در مسیر تقویت همه جانبه بنیه فن اجرا (تکنیک)، قرار می دهد.

مراحل دستیابی اجراکننده به موارد «اینتروال» به ترتیب اهمیت یادگیری و پرداختن به آنها در عرصه فراگیری موسیقی به شرح زیر نشان داده شده است:

۱- پایداری ذهن در فضای تنالیده اصوات

۲- تشخیص اصوات متغیر (آلتره)

۳- درک مدگردی (مدولاسیون)

۴- آگاهی از ساختار (فرم) موسیقی

۵- دانش عمودی (هارمونی) اصوات

۶- فهم موازی (کنترپوآن) اصوات

۷- تمیز اصوات در موسیقی «آتنال»

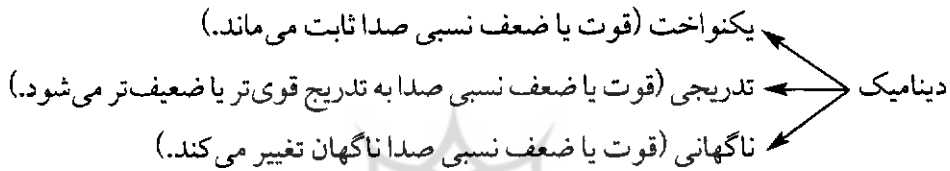
علاوه بر موارد کلی اشاره شده، روابط اصوات در قالب «اینتروال»ها دارای حالات متنوع اجرایی بسیاری مانند: لگاتو- استاکاتو- تنوتو- آکسان و غیره... نیز است که پرداختن به تمامی آنها در امکان و گنجایش این نوشتار نیست.

۳- تمپو

حرکت ضربان موسیقی، از دیدگاه کندی و یا تند، در اصول اجرای موسیقی «تمپو» نامیده می شود. اجراکنندگان موسیقی برای دستیابی به فن اجرا (تکنیک) برتر نه تنها لازم است علائم گوناگون «تمپو» را به خوبی شناسایی و اجرا کنند، بلکه باید در ثابت نگه داشتن ضربان، یعنی «مترونومیک» بودن ضربان نیز از خود مهارت های لازم را به هنگام اجرا بروز دهند.

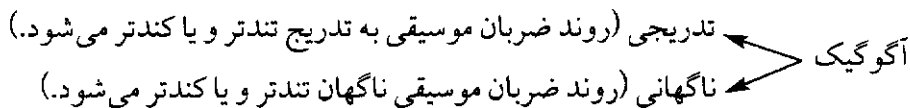
۴- دینامیک

قوت و ضعف نسبی اصوات «دینامیک» نامیده می‌شود که در آثار موسیقی به سه گونه «یکنواخت»، «تدریجی» و «ناگهانی» مورد استفاده قرار می‌گیرد. دستیابی اجراکنندگان موسیقی به توانمندی‌های هر چه برتر نسبت به مورد «دینامیک» و به کارگیری‌های ماهرانه تمامی موارد سه‌گانه اشاره شده در اجرای آثار موسیقی، بدون تردید از جمله مهارت‌های فن اجرا (تکنیک) اجراکنندگان به حساب می‌آید. در نمودار زیر «دینامیک» و موقعیت‌های سه‌گانه آن در آثار موسیقی نشان داده شده است.



۵- آگوگیک

تغییر موضعی روند یا حالت ضربان (تمپو)، در آثار موسیقی «آگوگیک» نامیده می‌شود که به دو گونه «تدریجی» و یا «ناگهانی» مورد استفاده قرار می‌گیرد. توانمندی‌های گسترده و ماهرانه اجراکنندگان آثار موسیقی نسبت به مورد «آگوگیک» چه در موقعیت «تدریجی» و یا «ناگهانی» آن به هنگام اجرای آثار موسیقی، قدرت و تسلط آنان را به موردی از موارد فن اجرا (تکنیک) به خوبی نشان می‌دهد. موقعیت دوگانه «آگوگیک» در آثار موسیقی، برای توجه بیشتر به صورت نمودار زیر ارائه شده است.



با توجه به نمودار ارائه شده در آغاز این نوشتار، اکنون می‌پردازیم به بررسی موارد مربوط به - تمرین اول: (ذهن - تمرین دوم): (مرحله اول فیزیک) - تمرین سوم: (مرحله دوم فیزیک).

پیش از پرداختن به یکایک موارد سه گانه اشاره شده، تاکید بر اهداف این مراتب که در راستای ایجاد سهولت در امر تمرین آثار موسیقی و حصول به نتایج اجرایی قوی و قطعی میباشد، ضروری به نظر می‌رسد.

برای دستیابی اجراکنندگان موسیقی به موارد گوناگون از مباحث «چگونگی فیزیک در اجرا» (اکول) و «عناصر نوشتاری موسیقی» (نت‌ها)، لازم است تمامی ظرایف این مباحث، نخست در ذهن اجراکننده، شکل گرفته و تمرین شود؛ آنگاه موارد تمرین شده در ذهن وی به ترتیب در «مرحله اول فیزیک» و در پی آن در «مرحله دوم فیزیک» اجراکنندگان با تمرینات پیگیرانه، بروز و نمود عملی (اجرایی) نماید.

تمرین اول: (ذهن)

درباره نقش آفرینی‌های ذهن، در فرماندهی به عملکردهای فیزیکی اجراکنندگان موسیقی، در این نوشتار، پیش از این به آن اشاره شده است.

در صورت موجود بودن پیش‌ساخته‌های گسترده از مباحث و موارد مربوط به فن اجرا (تکنیک) در ذهن اجراکننده و در پی آن فرماندهی قاطع و پیگیرانه ذهن به فیزیک وی، بدون تردید، در زمان تمرینات و هنگام اجرای آثار موسیقی، جایی برای رشد و خودنمایی بی‌رویه اعمال فیزیکی برآمده از صرف عادت تکرار و عاری از هرگونه اتکای ذهنی یعنی، «طوطی وار»، وجود نخواهد داشت. این بدان معناست که، ذهن اجراکننده موسیقی در تمام مدت زمان اجرا، همواره ناظر و دستوردهنده پیگیرانه بر تمامی لحظات اجرای موسیقی است.

اینکه ذهن اجراکنندگان موسیقی به هنگام اجرا، تا چه مدت زمان رابطه ماندگار و عاری از وقفه با فیزیک آنان را حفظ خواهد کرد، گام بعدی تربیت ذهن است که باید در دستور کار پیگیرانه اجراکنندگان موسیقی در زمان تمرینات آنان قرار گیرد. زیرا ذهن، حتی با داشتن همه پیش‌آگاهی‌ها از چگونگی مراحل اجرای آثار موسیقی، در برخی موارد، ضمانت ماندگاری ثابت و در نتیجه فرماندهی بدون وقفه به فیزیک اجراکنندگان را نخواهد داشت، یعنی وی را در تمرینات و یا اجرای موسیقی رها کرده و به مورد دیگری می‌پردازد.

تمرین دوم: (مرحله اول فیزیک)

مرحله نخست از فرمان‌پذیری‌های فیزیک اجراکنندگان موسیقی به عنوان مثال در گروه سازهای آرشه‌ای، مضرابی و زخمه‌ای، عملکرد فرمان‌پذیرانه دست چپ آنان (به روال

معمول) است که به عنوان نخستین مرحله از فرمان‌پذیری‌های فیزیک از ذهن، به شناسایی دقیق موقعیت و چگونگی عملکرد انگشتان روی شستی‌ها، کلیدها، دستان (پوزیسیون) ساز مربوط می‌پردازد. در واقع در این مرحله از تمرینات، جایابی‌های ماهرانه توسط تنها دست چپ و انگشتان آن روی ساز مورد نظر، شکل می‌گیرد.

این امر در گروه سازهای بادی، توسط دست یا دست‌ها و انگشتان آنها که مرتبط با کلیدها و یا کولیس‌سازها است، انجام می‌پذیرد.

تمرین سوم: (مرحله دوم فیزیک)

مرحله دوم از فرمان‌پذیری‌های فیزیک اجراکنندگان موسیقی به عنوان مثال: در سازهای آرشه‌ای، مضرابی و زخمه‌ای توسط همان دستی انجام می‌گیرد که نقش به‌کارگیری آرشه، مضراب و یا زخمه را به عهده دارد. بدیهی است در این مرحله، چگونگی عملکرد آرشه، مضراب و یا زخمه به دقت تا حصول به مهارتی شایسته، پیگیری و تمرین می‌شود.

این امر در گروه سازهای بادی، در واقع همان مرحله دمیدن در ساز است که چگونگی قرار گرفتن صحیح «سرساز» روی لب‌ها، دندان‌ها، زبان‌زدن و شیوه درست تنفس و... را دربر می‌گیرد.

یادآوری این نکته ضروری است، در سازهایی مانند: سنتور، هارپ و سازهای کلاویه‌دار، نوازندگان این‌گونه سازها، دو مرحله از تمرینات فیزیکی خود را می‌توانند تنها در تفکیک دست‌های چپ و راست عمل نمایند. یعنی در روند تمرینات هیچ یک از دست‌ها از نقطه نظر مراحل تمرین، بر دیگری تقدم ندارد.

با نگاهی کوتاه به مجموع موارد و مطالب ذکر شده در این نوشتار چنین نتیجه‌ای حاصل می‌شود؛ فن اجرا (تکنیک) نخستین اصل از اصول چهارگانه اجرای موسیقی است که موارد تشکیل دهنده آن دو بخش، الف: چگونگی فیزیک در اجرا (اکول) و ب: عناصر نوشتاری موسیقی است.

دو بخش اشاره شده در سه مرحله تمرین: ۱- تمرین اول (ذهن) ۲- تمرین دوم (مرحله اول فیزیک) ۳- تمرین سوم (مرحله دوم فیزیک) در واقع ارکان فن اجرا (تکنیک) را در تمرینات پیگیرانه به فرد اجراکننده موسیقی به نحو مطلوب منتقل می‌کند تا بدین ترتیب دستیابی همه جانبه و قطعی اجراکنندگان موسیقی به مورد فن اجرا (تکنیک) با رعایت مرتبتی و مرتبطی موارد مربوط به آن و با عبور از مسیر سه گانه تمرینات، به آسانی و با قاطعیت تام و تمام مقدور شود.